

بررسی تجربیات دانش‌آموزان دبیرستانی کانادا، از موانع ادراک شده و حمایت‌های دریافت شده در پیگیری آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی

دکتر مهدی محمدی کاجی^۱، مجید قربانی^۲

چکیده

از دیدگاه پیروان نظریه‌های روانی انتخاب شغل و حرفه (کرایتز، ۱۹۶۹) یا مسیر تحصیلی، انسان عامل اصلی و مرکز توجه در تصمیم‌گیری‌ها است. همچنین، دیگر دیدگاه‌ها مانند نظریه‌های روش عوامل اجتماعی و نظریه‌های تصمیم‌گیری بیش از همه به اهمیت تجربه درک شده از موانع یا حمایت‌های دریافت شده در رسیدن به آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی توجه کرده‌اند؛ در این پژوهش که از روش تحقیق طولی استفاده شده است، تمام دانش‌آموزان دو دبیرستان در ایالت اونتاریو کانادا که جمعاً تعداد ۱۰۳۳ نفر می‌شدند، به طور تصادفی نمونه‌گیری شدند که از این میان ۲۱۰ دانش‌آموز (۸۱ پسر و ۱۲۹ دختر) تا مرحله پایان طرح ۵ ساله تحقیق از طریق پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های این بررسی، که با استفاده از روش‌های آماری مختلف نظیر تحلیل واریانس و رگرسیون مورد ارزیابی قرار گرفت نشان می‌دهد که تجربیات شخصی از حمایت‌ها و موانع در ارتباط با کسب تحصیلات به صورت معنی‌داری بین جنس، سن و مسیرهای تحصیلی متفاوت نبود. یعنی اینکه بین مشکلات دختران و پسران دانش‌آموز و سن آنها در سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود.

یکی از مشکلات عمده‌ای که در گروه دبیرستان و کالج در مرحله آخر تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت، مسأله عدم تصمیم‌گیری بود. بدین ترتیب که در بیشتر موارد، آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی سطح بالا که در اواسط دوره نوجوانی بنا شده است با دستیابی به آن در اوایل جوانی همسو هستند.

-
۱. دکترای روان‌شناسی مشاوره از دانشگاه یورک و استاد مدعو دانشگاه شهید بهشتی mmkaji@yahoo.com
 ۲. فوق لیسانس علوم تربیتی - کارشناس تحقیقات مرکز پژوهش، مطالعات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر - ریاست جمهوری و استاد مدعو دانشگاه آزاد کرج

مقدمه

یکی از هدف‌های اولیه تعلیم و تربیت ایجاد آمادگی برای ایفای کاری مفید و رضایت بخش است. در گذشته، سرنوشت افراد عموماً با منشاء خانوادگی و اصل و نسب آنان ارتباط داشت. فرزندان کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران و... ناگزیر بودند مشاغل خانوادگی را به حکم سرنوشت بپذیرند. با توسعه علوم و پیشرفت صنایع، تغییرات اساسی در زندگی انسان‌ها به وجود آمده است. رشد و گسترش علوم و متعاقباً تنوع رشته‌های تحصیلی و مقاطع تحصیلی، مسائل و مشکلاتی را برای دانش‌آموزان به همراه داشته است. در گذشته نچندان دور شاهد این موضوع بودیم که تحصیلات بیشتر جنبه عمومی داشت نه همچون که امروزه مطرح است اختصاصی باشد. این در حالی است که امروزه تحولات تازه و به طبع آن مشاغل و حرفه‌های نوینی پدیدار می‌شوند. این تغییرات اقتصادی نه تنها ضرورت ادامه تحصیل پس از مقطع دیپلم را باعث شده، بلکه انتخاب‌های تحصیلی و شغلی را پیچیده‌تر کرده است.

در این چارچوب یک مطالعه تطبیقی در ارتباط با آمال و آرزوهای تحصیلی و نتایج متعاقب آن بین دو گروه فارغ‌التحصیل از دبیرستان در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۲ نشان داد که جوانان کانادایی بیشتر تمایل دارند پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان در یکی از مقاطع تحصیلی فوق دیپلم یا لیسانس ادامه تحصیل دهند (کراهن و لاو^۱، ۱۹۹۹). در هر حال، تبدیل جامعه سنتی به صنعتی و متعاقب آن بروز تخصص‌های متعدد از یک طرف و نیاز به آموزش و پرورش افراد برای تخصص‌های به وجود آمده از طرف دیگر، باعث شده است که افراد درصدد کسب تحصیلات بالاتر پس از مقطع دبیرستان برآیند. از آنجایی که همواره موانع و مشکلات عدیده‌ای بر سر راه جوانان برای کسب تحصیل و متعاقب آن شغل مورد نظرشان وجود دارد، به همین منظور تحقیق حاضر سعی دارد مشکلات نوجوانان را در جهت کسب تحصیل و شغل مورد بررسی قرار دهد.

شایان ذکر است، عمده پژوهش‌هایی که در زمینه آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی طی فرایند رشد انجام گرفته با استفاده از اطلاعات مربوط به گذشته فرد بوده است که به خاطر عدم یادآوری دقیق انتظارات مربوط به گذشته از اعتبار و روایی لازم برخوردار نیستند (ریندنوس^۲، کوکسی و ساترلین^۳، ۱۹۹۹). به همین دلیل، لازم است که با انجام مطالعه طولی از نوع پژوهش

1. Krahn & lowe

2. Rindfuss

3. Cooksey & Sutterlin

حاضر، آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی فرایند رشد افراد از دوره نوجوانی تا جوانی مورد مطالعه قرار گیرد تا، اعتبار سنجش انتظارات واقعی فرد را بالا برد (کسیکزنت میهالی^۱ و اشنایدر^۲، ۲۰۰۰؛ دورن بوچ^۳، ۲۰۰۰؛ ریند فوس، ۱۹۹۹؛ واندرسک^۴، ۱۹۸۶).

بنابراین، طراحی یک مطالعه طولی اجازه می‌دهد که عوامل رشدی که به صورت مستقیم در دوره نوجوانی وجود دارند و موجب کسب تحصیلات و متعاقباً شغل در دوره جوانی می‌شوند، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. از این رو، تحقیق حاضر با استفاده هم‌زمان اطلاعات طولی و گذشته فرد در طی یک دوره پنج‌ساله (که از اوایل دوره دبیرستان - معادل اواسط دوره نوجوانی - تا سه سال بعد از پایان مقطع دبیرستان - معادل اوایل جوانی - را در بر داشته است) آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داده است.

چارچوب نظری تحقیق:

از دیدگاه پیروان نظریه‌های روانی انتخاب شغل و حرفه (کرایتز، ۱۹۶۹) یا مسیر تحصیلی، انسان عامل اصلی و مرکز توجه در تصمیم‌گیری‌ها است. همچنین، دیگر دیدگاه‌ها مانند نظریه‌های خصیصه - عامل که بر شناخت توانایی‌ها و رغبت‌های فرد برای سازش دادن مناسب آنها با آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی وی تأکید دارند (پارسونز^۵، ۱۹۰۹؛ هال، ۱۹۶۳؛ و کیتسون، ۱۹۵۸)^۶ یا نظریه‌های خویشتن‌پنداری که معتقدند انسان با افزایش سن به خودشناسی بهتر و بیشتر نایل می‌آید و زمانی فرد به انتخاب مسیر تحصیلی یا شغلی دست می‌زند که آن رشته تحصیلی یا شغلی که آرزو کرده بود با تصور او درباره خودش سازگار و هماهنگ باشد (گینزبرگ^۷، ۱۹۵۱؛ سوپر، ۱۹۶۳؛ و بندورا، ۱۹۹۷-۱۹۸۶)، به اهمیت تجربه درک شده از موانع یا حمایت‌های دریافت شده در رسیدن به آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی توجه کرده‌اند؛ در پژوهش حاضر با استفاده از این دیدگاه‌ها به بررسی تجربیات دانش‌آموزان دبیرستانی

- 1 . Csikszentmihaly
- 2 . Schneider
- 3 . Doranbusch
- 4 . Vonderacek
- 5 . Parsons
- 6 . Hall & kitson
- 7 . Ginzberg

از موانع ادراک شده و حمایت‌های دریافت شده برای رسیدن به آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی طی پنج سال متوالی پرداخته شده است (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۸-۱۱۱).

به طور کل، پایه روان‌شناسی شغلی یا رشد شغلی بر این فرض استوار است که مطابقت بین توانایی‌های فرد و شغلی که به آن توانایی‌ها نیاز دارد منتج به یک انتخاب شغلی خوب می‌شود (سوپر، ۱۹۵۷؛ ساویکاس و سوپر، ۱۹۹۶). در زمینه رشد شغلی مطالعات زیادی انجام گرفته است که در زیر با توجه به موضوع پژوهش به طور مختصر برخی از نظریه‌های رشد شغلی که ارتباط موضوعی با عنوان پژوهش حاضر دارند، مرور می‌شود:

نظریه رشد شغلی^۱ از دیدگاه سوپر (سوپر^۲ و همکاران، ۱۹۹۶): سوپر در ارائه نظریه‌اش به شدت تحت تأثیر دیدگاه خویشتن‌پنداری قرار گرفته است. او معتقد است هر فردی شغلی را که متناسب با عقاید و پندارش باشد، انتخاب می‌کند. وی در ارائه نظریه‌اش تحت عقاید بوهلر که یک متخصص روان‌شناسی رشد بوده است و زندگی را ترکیبی از دوره‌های متعدد و مشخص، شامل دوره رشد (از لحظه تولد تا سن ۱۴ سالگی)، دوره مکاشفه (سنین ۱۵ تا ۲۵ سال)، دوره ابقاء (از سن ۲۵ سالگی تا حدود سن ۶۵ سالگی) و دوره افول (از سن ۶۵ سالگی تا پایان زندگی) می‌داند. وی در این دیدگاه معتقد است نقش‌ها و وظایف و فعالیت‌های انسان در هر دوره متفاوت و جدا از دوره‌های دیگر است. سوپر با تأسی بر عقاید بوهلر کامل‌ترین نظریه در زمینه انتخاب شغل و تعیین مسیر تکاملی انتخاب شغل و حرفه را پیشنهاد کرده است.

بدین ترتیب، سوپر به مسیر تکاملی انتخاب شغل و بلوغ شغلی و حرفه‌ای بیش از انتخاب شغل توجه دارد و انتخاب شغل را نتیجه آن فرایند تکاملی می‌داند. بنابراین، با مطالعه و بررسی مسیر تکاملی انتخاب و بلوغ شغلی و حرفه‌ای فرد در طول زندگی می‌توان مراحل را شناسایی کرد که هدایت شغلی و حرفه‌ای وی را ساده‌تر و عملی‌تر می‌سازد. به طور کل از نظر سوپر، عوامل نقشی، فردی، و موقعیتی مستقیماً در مسیر تکاملی انتخاب شغل و حرفه دخالت دارند. وی در نظریه خود به یک سری از وظایف شغلی می‌پردازد که از سن ۱۱ سالگی آغاز می‌شود و حدوداً تا پایان اواخر جوانی ادامه می‌یابد که دستمایه این پژوهش قرار گرفته است (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۲ و ۱۳۱).

1 . career development theory

2 . Super

روش عوامل اجتماعی: برای پاسخ به این سؤال که چرا مردم مشاغل یا رشته‌های تحصیلی مختلفی را بر می‌گزینند؟ پاسخ‌های متفاوتی داده شده است؛ به عنوان مثال، ممکن است انتخاب شغلی یا رشته تحصیلی به خاطر: (۱) خصوصیات روانی متفاوت افراد باشد، (۲) نیروی محرک و انگیزش افراد برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل با یکدیگر فرق داشته باشد، (۳) چون شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد با یکدیگر یکسان نیست، انتخاب‌های آنها متفاوت خواهد بود و... در همین چارچوب عده‌ای نیز انتخاب شغل را به عوامل و محرک‌های روانی مربوط می‌دانند و برخی دیگر عوامل اجتماعی را در انتخاب شغل مهم می‌شمارند و تأثیر موقعیت اجتماعی والدین و امکانات محیطی را در انتخاب شغل مورد مطالعه قرار می‌دهند. در این رابطه، بسیاری از محققان برای مطالعه تأثیر عوامل اجتماعی در انتخاب شغل و مسیر تحصیلی، رابطه بین زمینه‌های خانوادگی با ترجیح‌های شغلی و تحصیلی و انتخاب آنها را در دانشجویان بررسی کرده‌اند که در زیر به برخی از آنها که با بررسی حاضر مرتبط هستند، اشاره‌ای مختصر می‌شود. به عنوان مثال، روزنبرگ^۱ (۱۹۵۷) رابطه بین طبقه اجتماعی والدین و میزان درآمد آنها را با انتظارات شغلی فرزندان مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که بین درآمد پدر و انتخاب نوع شغل فرزندان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، درآمد خانواده در تعیین انتظارات شغلی اعضای خانواده مؤثر است. همچنین، هالر^۲ (۱۹۶۵) رابطه بین نمرات پرسشنامه رغبت سنج شغلی استرآنک دانشجویان را با طبقه اجتماعی - اقتصادی آنها در دانشگاه مینه سوتا مطالعه کرد. طبقه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان با توجه به شغل و میزان تحصیلات پدران تعیین شد. نتیجه این بررسی نشان داد که بین نمرات پرسشنامه استرآنک در زمینه‌های علمی و فنی با طبقه اجتماعی - اقتصادی پدران رابطه وجود دارد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۷۶).

نظریه‌های تصمیم‌گیری: پیروان نظریه‌های تصمیم‌گیری با تجزیه و تحلیل جریان تصمیم‌گیری، از دیدگاه‌های مختلف فرایند انتخاب شغل را تشریح می‌کنند. به عنوان مثال، از دیدگاه جلات^۳ (۱۹۶۲)، هر نوع تصمیم‌گیری دو ویژگی مهم دارد: (۱) فرد بر اثر قرارگرفتن در موقعیتی خاص ملزم به تصمیم‌گیری است و (۲) بیش از یک راه برای گشایش مشکل در اختیار تصمیم‌گیرنده قرار می‌گیرد و فرد براساس اطلاعات و بررسی‌های خود می‌تواند تصمیم مناسبی

- 1 . Rosenberg
- 2 . Haller
- 3 . Gelatt

را اتخاذ کند. تصمیم گرفته شده و یا انتخاب فرد می‌تواند تصمیم و انتخاب نهایی باشد یا آغازی برای یک رشته تصمیمات بعدی بشمار رود. اگر تصمیم گرفته شده قطعی و نهایی نباشد، فرد برای تکمیل اطلاعاتش تلاش و کوشش بیشتری خواهد کرد تا با تجزیه و تحلیل و کاربرد اطلاعات جدید بتواند تصمیم قطعی و نهایی را هرچه دقیق‌تر اتخاذ کند. در چنین موردی اصطلاحاً به تصمیم فرد، تصمیم تجسسی^۱ گویند. نظریه جلات بر شروع تصمیم‌گیری با تعیین هدف یا مقصد تأکید دارد. یعنی، فرد پس از تعیین هدف لزوم اتخاذ تصمیم را مشخص و سپس به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد که به نوعی احتمالاً به حل مشکل کمک خواهد کرد. مقصد و هدف فرد، نوع اطلاعات لازم و ضروری برای حل مشکل را تعیین و مشخص می‌کند. مثلاً اگر کسی علاقمند به ادامه تحصیل در رشته مهندسی باشد به اطلاعاتی در زمینه دانشکده‌های فنی نیازمند است. همچنین باید استعدادهای توانایی‌ها و رغبت‌های خود را در ارتباط با رشته تحصیلی مورد بررسی و سنجش قرار دهد و بتواند رابطه خصوصیات شخصی با ویژگی‌های شغلی را قبل از انتخاب شغل تعیین کند. در واقع، گردآوری اطلاعات هسته مرکزی جریان تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد. همچنین، به نظر اوهارا و تیدمن^۲ (۱۹۶۳) فرد با در نظر گرفتن خویشتن‌پنداری و شرایط اجتماعی، شغلی را انتخاب می‌کند. انسان برای آن‌که بین عوامل فردی و عوامل اجتماعی سازشی برقرار سازد باید به اتخاذ تصمیمات مناسبی در زندگی اقدام کند. جریان تصمیم‌گیری تحت تأثیر تجارب حاصل از تحصیلات، اشتغال، خصوصیات ارثی و فشارهای اجتماعی قرار می‌گیرد. به طور کل، به نظر اوهارا و تیدمن، تمام تجربیات فرد در تکامل و انتخاب شغل موثرند. آنان با بهره‌گیری از مراحل رشد هشت‌گانه اریکسون معتقدند که معنی و مفهوم زندگی برای هر فرد جنبه کاملاً انحصاری دارد و با وضع روانی و عوامل اجتماعی و خانوادگی او ارتباط دارد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۰-۱۷۸).

نظریه وضعیت اکتسابی^۳: این نظریه بر یک رویکرد جامعه‌شناختی تأکید دارد که در آن آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی و حصول به آنها در یک طبقه‌بندی وسیع اجتماعی جای گرفته است. در این نظریه آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی منعکس‌کننده تأثیرات کلیشه‌ای،

-
- 1 . investigatory decision
 - 2 . O,Hara & Tiedeman
 - 3 . status attainment theory

انتظارات فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی بر اساس جنس، نژاد و وضعیت اقتصادی-اجتماعی فرد است (هاتچکیس و بارو^۱، ۱۹۹۶).

نظریه شناختی - اجتماعی رشد شغلی^۲: این نظریه بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بنا نهاده شده است که به عنوان یک مکمل (پیوند) ادراکی به دیگر نظریه‌های رشد شغلی مرتبط است (لنت و براون، ۱۹۹۶؛ لنت و همکاران، ۱۹۹۶، ۱۹۹۴). پایه این نظریه بر تعامل بین خودانگاره فرد و فرایندهای اجتماعی برای هدایت رفتارها و انتخاب‌ها گذاشته شده است. یعنی نوعی تعامل متقابل بین تأثیرات رفتاری، شناختی و محیطی (براساس مدل علیت سه‌تایی بندورا) وجود دارد (بندورا^۳، ۱۹۹۷-۱۹۸۶).

نظریه شناختی - اجتماعی رشد شغلی، یک چارچوب تجربی برای درک رشد آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی در طی زمان ارائه می‌کند. همچنین، تأثیر متغیرهای زمینه‌ای^۴ همچون جنس، منبع اقتصادی - اجتماعی، متغیرهای روان‌شناختی بر رشد آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی را بررسی می‌کند. در این نظریه چنین فرض می‌شود که در طول زمان تنوعی از تأثیرات بر یکدیگر تأثیر می‌گذراند تا علاقه و انتخاب شغلی در فرد شکل گیرد. از این‌رو، با استناد به برخی از مفاهیم اساسی این نظریه، مانند خودکارآمدی^۵، نتیجه انتظارات^۶ و اهداف شخصی به تفسیر چگونگی رشد رفتارهای مرتبط با تحصیل و شغل افراد پرداخته می‌شود. خودکارآمدی همان باور فرد در مورد توانایی‌هایش برای انجام موفقیت‌آمیز یک وظیفه، با در نظر گرفتن شرایط آن وظیفه است. به عبارت دیگر، خودکارآمدی، نتیجه انتظارات و اهداف فرد در تعامل با عوامل محیطی، زمینه‌ای و فردی برای توجیه انتخاب‌ها و روش‌های مربوط به شغل است. (لنت و براون، ۱۹۹۶؛ لنت و همکاران، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶).

-
- 1 . Hotchkiss & Borrow
 - 2 . social cognitive career theory(SCCT)
 - 3 . Bandura
 - 4 . contextual variables
 - 5 . self- efficacy
 - 6 . outcome expectations

برخی از تحقیقات نشان داده است که ادراکات فرد از توانایی‌های خودش، اصلاح کننده قوی رفتار فرد است (ایکلز^۱، ۱۹۸۷؛ هندرسون و دوک^۲، ۱۹۹۰؛ واینر^۳، ۱۹۷۴). تجربه موفقیت‌آمیز باورهای مثبت فرد را نسبت به صلاحیت خود در یک حوزه خاص افزایش می‌دهد، در حالی که تجربه شکست باورهای منفی را نسبت به خود بالا می‌برد. همچنین، خودکارآمدی تحت تأثیر الگوهای متفاوت اجتماعی شدن هستند و این مهم از راه درون‌سازی تجربیات مرتبط صورت می‌گیرد. به همین دلیل، متغیرهای بنا شده اجتماعی همچون وضعیت اقتصادی-اجتماعی (هاتچکس و بورو^۴، ۱۹۹۶؛ اسپوو و فیتزگالد^۵، ۱۹۹۶)، جنس (ایکلز، ۱۹۹۴؛ فیتزگالد و فاسینگر و بتز^۶، ۱۹۹۵) می‌توانند موقعیت‌های تحصیلی و شغلی را تحت تأثیر قرار دهند. به طور کل، آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی گزارش شده در دوره نوجوانی پیشگویی کننده‌های معنی‌داری از احتمال دست یافتن به مشاغل و تحصیلات در دوره جوانی هستند (بورک و هولتر^۷، ۱۹۹۸). بنابراین، تعیین و شناسایی عواملی که بر رشد آمال و آرزوها تأثیر می‌گذارند در جهت روشن کردن این موضوع که آمال و آرزوها چگونه به مسیرهای تحصیلی و شغلی منجر می‌شوند، حتی در بین دانش‌آموزان ایرانی که با هدف آینده بهتر تحصیل می‌کنند، حائز اهمیت هستند.

اهداف پژوهش:

هدف کلی: مهم‌ترین هدف این پژوهش، بررسی تجربیات دانش‌آموزان دبیرستانی کانادا، از موانع ادراک شده و حمایت‌های دریافت شده (در شروع پژوهش) و تأثیر آن بر پیگیری آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی آنان در آینده (پایان دوره پژوهش) است.

- 1 . Eccles
- 2 . Henderson & Dweck
- 3 . Weiner
- 4 . Borrow
- 5 . Ospiow & Fitzgerald
- 6 . Fassinger & Betz
- 7 . Burke & Hoelter

اهداف خاص:

- بررسی موانع ادراک شده و حمایت‌های تجربه شده توسط دانش‌آموزان در واگرایی از آمال تحصیلی یا پافشاری بر آن.
- بررسی تأثیر سن دانش‌آموزان بر موانع ادراک شده یا حمایت‌های تجربه شده در واگرایی از آمال تحصیلی یا پافشاری بر آن.
- بررسی تأثیر جنس دانش‌آموزان (دختر یا پسر بودن) بر موانع ادراک شده یا حمایت‌های تجربه شده در واگرایی از آمال تحصیلی یا پافشاری بر آن.
- بررسی تفاوت بین الگوی پاسخ‌گویی دانش‌آموزان (از نظر تجربه موانع و حمایت‌ها) با مسیرهای تحصیلی آنها.

همان‌طور که در بالا اشاره شد آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی گزارش شده در دوره نوجوانی پیش‌گویی‌کننده‌های معنی‌داری هستند از احتمال دست‌یافتن به تحصیلات و شغل‌ها در جوانی. بنابراین شناسایی موانع آمال تحصیلی و شغلی در جهت وضوح این موضوع که آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی چگونه به مسیرهای تحصیلی و شغلی منجر می‌شوند، بسیار مهم هستند. هدف تحقیق حاضر بررسی تجربیات فردی از موانع ادراک شده و حمایت‌های دریافت شده در پیگیری آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی است.

متغیرها

تعیین عوامل پیش‌بین: منظور از بررسی متغیر عوامل پیش‌بین، عوامل پیش‌بینی شده و تجربه شده به عنوان مانع یا حمایت از طرف خود دانش‌آموزان بوده است. (تعیین موانع و حمایت‌ها توسط خود افراد است).

سن: منظور از بررسی متغیر سن، این نکته است که آیا موانع و حمایت‌ها به صورت متفاوتی توسط دانش‌آموزان سنین مختلف تجربه می‌شوند (بررسی تأثیر سن فرد - بر حسب کلاس ۹، ۱۰، ۱۱ - بر تجربه او از موانع و حمایت‌ها).

جنس: منظور از بررسی متغیر جنس (دختر یا پسر بودن)، این نکته است که آیا موانع و حمایت‌ها به صورت متفاوتی توسط پسران و دختران تجربه می‌شوند (بررسی تأثیر جنس فرد - دختر یا پسر بودن - بر تجربه او از موانع و حمایت‌ها).

مسیر تحصیلی: منظور از بررسی متغیر مسیر تحصیلی، این نکته است که تجربیات فردی از موانع و حمایت‌ها در جهت‌گیری آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان مشخص شود (منظور این است که فرد بر حسب موانع موجود، چه مسیر تحصیلی را انتخاب می‌کند).

سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا موانع ادراک شده و حمایت‌های تجربه شده توسط دانش‌آموزان در واگرایی از آمال تحصیلی یا پافشاری بر آن تأثیر دارد؟
- ۲- آیا سن دانش‌آموزان بر موانع ادراک شده یا حمایت‌های تجربه شده در واگرایی از آمال تحصیلی یا پافشاری بر آن تأثیر دارد؟
- ۳- آیا جنس دانش‌آموزان (دختر یا پسر بودن) بر موانع ادراک شده یا حمایت‌های تجربه شده در واگرایی از آمال تحصیلی یا پافشاری بر آن تأثیر دارد؟
- ۴- آیا تفاوت قابل مشاهده‌ای بین الگوی پاسخ دانش‌آموزان (از نظر تجربه موانع و حمایت‌ها) با مسیرهای تحصیلی آنها دیده می‌شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر که با روش طولی - مقطعی مورد مطالعه قرار گرفته است، طی ۵ سال به بررسی متغیرهای این بررسی پرداخته است.

جامعه آماری: جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی دانش‌آموزان دبیرستانی ایالت اونتاریوی کانادا تشکیل می‌دهند. در واقع، دانش‌آموزانی که تصمیم به شرکت در دانشگاه‌های ایالت اونتاریوی کانادا دارند، لازم است دوره پنج‌ساله دبیرستان را با موفقیت به پایان برسانند و کسانی که تمایلی به تحصیلات دانشگاهی ندارند، کافی است که کلاس‌های ۹ تا ۱۲ را که دوره دیپلم عمومی است، بگذرانند و کلاس ۱۳ دوره آمادگی برای شرکت در دانشگاه یا به عبارتی پیش‌دانشگاهی محسوب می‌شود. در تحقیق حاضر تمام گروه‌های یاد شده جامعه آماری تحقیق بررسی فوق را شامل می‌شوند.

نمونه پژوهش: نمونه‌های تحقیق حاضر را به طور کل ۲۱۰ نفر (۸۱ پسر و ۱۲۹ دختر) تشکیل داده‌اند که تماماً از دو مدرسه دبیرستان عمومی از بین دبیرستان‌های قسمت جنوب ایالت

اوتاریوی کانادا انتخاب شده بودند. این تعداد آزمودنی تا پنج سال بعد از اولین اجرای پرسشنامه‌ها با هدف شناسایی آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی و تغییرات آن در طی این دوره پیگیری شدند. لازم به توضیح است که از ۱۰۳۳ نفر دانش‌آموز که در مرحله اول مورد سنجش قرار گرفتند، تعدادی به پرسشنامه‌ها به طور کامل پاسخ ندادند و برخی هم تمایل نداشتند در مراحل بعدی با آنها تماس حاصل شود. لذا تعداد شرکت‌کننده‌ها در مرحله دوم ۶۱۸ نفر گردید. همچنین، از این ۶۱۸ نفر، تعدادی به پرسشنامه‌ها به طور کامل پاسخ ندادند و برخی هم تمایل نداشتند در مرحله بعد با آنها تماس حاصل شود. نهایتاً در مرحله آخر تعداد ۲۱۰ نفر پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل کرده و بازگرداندند. نتایج تحقیق حاضر بر اساس این افراد (۲۱۰ نفر) که پس از پنج سال از نمونه اولیه باقی مانده بود، تحلیل و تفسیر شد (جدول شماره ۱ را ببینید).

جدول شماره ۱. تعداد آزمودنی‌ها در مراحل مختلف تحقیق بر حسب جنس و پایه تحصیلی

مراحل تحقیق پایه تحصیلی	مرحله اول		مرحله دوم			مرحله آخر	
	پسر	دختر	تعداد	پسر	دختر	تعداد	پسر
کلاس ۹	۴۴۱	۵۲٪	۴۸٪	۲۹۳	۴۹٪	۵۱٪	۹۰
کلاس ۱۰	۳۵۵	۴۷٪	۵۳٪	۲۲۴	۴۹٪	۵۱٪	۷۶
کلاس ۱۱	۲۵۷	۵۲٪	۴۸٪	۱۰۱	۴۵٪	۵۵٪	۴۴
جمع کل	۱۰۳۳	---	---	۶۱۸	---	---	۲۱۰

همان‌طور که در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود، دامنه توزیع آزمودنی‌ها بر حسب جنس و پایه تحصیلی در مراحل مختلف تحقیق نشان داده شده است. بر این اساس، مرحله اول شروع تحقیق است و مرحله دوم دو سال پس از اجرای مرحله اول صورت گرفته است و مرحله آخر که در انتهای دوره پژوهش بوده است، سه سال پس از مرحله دوم تحقیق انجام شده است. شایان ذکر است در بررسی حاضر فقط به نتایج مراحل اول و آخر پرداخته شده است که پراکندگی سنی آنان بر حسب جنس ۳۹ درصد پسر (۸۱ نفر) و ۶۱ درصد دختر (۱۲۹ نفر) و بر حسب میانگین سنی در مرحله اول تحقیق در کلاس ۹، ۱۴/۵ سال، در کلاس ۱۰، ۱۵/۵ سال و کلاس ۱۱، ۱۶/۵ سال بود.

روش نمونه‌گیری: این تحقیق در سه مرحله انجام شده است که در مرحله اول یک سری سؤال‌های باز درباره آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی و همچنین در باره موانع و حمایت‌هایی که تا به حال داشته‌اند و پیش‌بینی موانع و حمایت‌ها در ادامه مسیر تحصیل مورد سؤال قرار گرفت. سپس یک بار پس از گذشت دو سال و یک بار پس از گذشت سه سال با کسانی که قبلاً اعلام آمادگی برای همکاری با ادامه پژوهش حاضر کرده بودند، تماس حاصل شد تا پرسشنامه‌ها را مربوط به سنجش موانع و حمایت‌های تجربه شده تا این مرحله) پاسخ دادند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات: ابزار پژوهش در این بررسی نوعی پرسشنامه خودسنجی محقق ساخته بود و با استفاده از سؤالهای باز به جمع‌آوری اطلاعات (همچون سن، جنس، پایه تحصیل، آمال و آرزوهای تحصیلی، آمال و آرزوهای شغلی، موانع تجربه شده، موانع احتمالی، حمایت‌ها تجربه شده و) پرداخته شد.

در نهایت شغل‌ها (پاسخ‌های داده شده) بر اساس مقیاس طبقه‌بندی مشاغل از نظر وضعیت اقتصادی- اجتماعی پینئو^۱ و پورتر و مک رابرتز^۲ (۱۹۷۷) در سه طبقه کلی (الف: سطح اقتصادی پائین همچون زراعت و کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و شیلات، شغل‌های تولیدی، صنعت و تعمیرات، تلفنچی ها، کارگر و سازنده ها ب: سطح اقتصادی متوسط همچون شغل‌های خدماتی ج: سطح اقتصادی بالا همچون مشاغل مدیریتی، حرفه‌های تخصصی و اداری) تقسیم شدند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (شیوه تحلیل آماری): از آنجائیکه در این پژوهش هدف تجزیه و تحلیل داده‌های کیفیتی بود، اطلاعات به صورت درصد ارائه شده‌اند. هرچند که از تجزیه و تحلیل با استفاده از روش اندازه‌گیری مکرر^۳، آزمون چند متغیری ویلکس لامبدا^۴، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی^۵ و رگرسیون چند متغیری^۶ و ضریب همبستگی پیرسون^۷ هم بهره گرفته شده است.

- 1 . Pineo
- 2 . Porter & McRoberts
- 3 . repeated measures analyses of variance (ANOVA)
- 4 . Wilks Lambda
- 5 . Hierarchical regression analysis
- 6 . multivariate analysis of variance (Mancova)
- 7 . Pearson correlation

یافته‌های پژوهش

نتایج این بررسی به طور کل در دو بخش تنظیم شده است:

- ۱- ابتدا می‌بایست مسیرهای ممکن را که افراد می‌توانستند ادامه دهند، شناسایی کنیم. الف) گروه دبیرستان (دیپلم): که در برگیرنده کسانی است که در مرحله آخر تحقیق پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان، از سیستم آموزشی خارج شده بودند. ب) گروه کالج: که در برگیرنده کسانی است که در مرحله آخر تحقیق یا با کسب دیپلم کالج از سیستم آموزشی خارج شده بودند و یا اینکه در صدد بودند که پس از فارغ‌التحصیلی با مدرک دیپلم کالج به ادامه تحصیل نپردازند. پ) گروه کالج - دانشگاه: در برگیرنده کسانی است که در مرحله آخر تحقیق یا پس از کسب دیپلم کالج به دانشگاه رفته بودند و در صدد ادامه تحصیل تا مقطع لیسانس بودند و یا اینکه هنوز در کالج مشغول تحصیل بودند و در عین حال تمایل داشتند که به دانشگاه بروند و تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل دهند. ت) گروه لیسانس: که در برگیرنده کسانی است که در مرحله آخر تحقیق یا با کسب مدرک لیسانس از سیستم آموزشی خارج شده یا اینکه در دانشگاه بوده و فقط در صدد کسب مدرک لیسانس بودند. ث) گروه بالای لیسانس: در برگیرنده کسانی است که در مرحله آخر تحقیق در حال تحصیل در مقطع لیسانس بودند، اما تمایل داشتند که در آینده به تحصیل ادامه داده و موفق به کسب مدارک بالاتر (فوق لیسانس یا دکتری) شوند (با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره مسیرهای تحصیلی با سن، جنس، تحصیلات والدین، پیشرفت تحصیلی خود دانش‌آموزان، و همچنین آرزوهای تحصیلی و شغلی مورد بررسی قرار گرفت). هر یک از مسیرهای تحصیلی فوق با گروه بعدی (گروه دبیرستان با گروه کالج، گروه کالج با گروه کالج - دانشگاه و) مورد مقایسه قرار گرفت (با استفاده از سنجش‌های تقابلی تکرار شده) و از آنجایی که بین گروه کالج - دانشگاه با گروه لیسانس تفاوت معنی‌داری وجود نداشت، و شرکت‌کننده‌های این دو گروه اهداف مشابهی را دنبال می‌کردند، این دو گروه در هم ادغام شدند و در نهایت چهار گروه (دبیرستان - کالج - لیسانس - بالای لیسانس) جهت تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

۲- موانع و حمایت‌های تجربه شده در جهت کفایت تحصیلی به شرح زیر در ۶ گروه طبقه‌بندی شده زیر گزارش شده است:

۱. امکانات و محدودیت‌های اقتصادی
۲. وجود و عدم وجود حمایت‌های عاطفی
۳. امکانات و محدودیت‌های خود ادراک شده درون فردی (انگیزش - مهارت‌های تحصیلی)
۴. تصمیم‌ها و عدم تصمیم‌گیری‌ها
۵. مشکلات و حمایت‌های محیطی
۶. سایر موارد همچون اعتقادات مذهبی، بیماری‌ها و مسؤولیت‌های خانوادگی

در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل‌ها (مجموعه‌ای از تحلیل واریانس‌ها)، حاکی از آن است که محدودیت‌ها و موانع تجربه شده و همچنین حمایت‌های دریافت شده تحت تأثیر سن و جنس قرار ندارند. به عبارت دیگر، بین موانع و حمایت‌های تجربه شده (شش گروه فوق) توسط دختران و پسران در سنین مختلف تفاوتی دیده نمی‌شود. هر چند که دختران مشکلات مربوط به محدودیت‌های خویشتن را بیشتر از مردان (نسبت پاسخ ۳۶٪ زنان به ۲۲٪ مردان) مطرح کرده بودند (جدول شماره ۲ را ببینید).

همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود، سن بر اساس پایه تحصیلی دانش آموزان (که در کلاس ۹ یا ۱۰ یا ۱۱ مشغول تحصیل بودند) در نظر گرفته شده است. ضمناً نکته قابل توجه این است که میانگین آرزوهای تحصیلی از مرحله اول به مرحله آخر افزایش پیدا کرده است و از نظر آماری هم معنی دار است ($F_{2,181}=7.71/P<0.01$)، در حالی که میانگین آرزوهای شغلی به صورت معنی داری کاهش پیدا کرده است ($F_{2,129}=11.20/P<0.01$). به طور مختصر در زیر به برخی از نتایج به دست آمده اشاره می‌شود:

جدول شماره ۲. تحلیل واریانس اندازه‌های تکرار شده (ANOVA)

Wilks lambda	مرحله آخر		مرحله اول		مراحل تحقیق و معنی داری
	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	ملاک‌های بررسی
F4,352=0.07	۰/۸۶	۳/۲۱	۰/۵۲	۲/۹۹	آرزوهای تحصیلی کلاس ۹
	۰/۷۶	۳/۲۰	۰/۵۰	۳/۰۱	آرزوهای تحصیلی کلاس ۱۰
	۰/۶۶	۳/۳۷	۰/۵۲	۳/۱۲	آرزوهای تحصیلی کلاس ۱۱
F4,254=1.23	۰/۵	۲/۷۰	۰/۳۸	۲/۸۳	آرزوهای شغلی کلاس ۹
	۰/۵۰	۲/۵۴	۰/۳۸	۲/۸۳	آرزوهای شغلی کلاس ۱۰
	۰/۴۹	۲/۶۵	۰/۴۰	۲/۸۱	آرزوهای شغلی کلاس ۱۱
F2,176=2.14	۰/۷۸	۳/۲۵	۰/۵۳	۳/۰۹	آرزوهای تحصیلی دختران
	۰/۷۸	۳/۲۷	۰/۴۹	۲/۹۳	آرزوهای تحصیلی پسران
F2,128=0.253	۰/۴۹	۲/۶۰	۰/۳۸	۲/۸۳	آرزوهای شغلی دختران
	۰/۵۲	۲/۶۵	۰/۳۹	۲/۸۲	آرزوهای شغلی پسران

فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی / دوره ۱۳ شماره ۳ بهار ۱۳۸۷

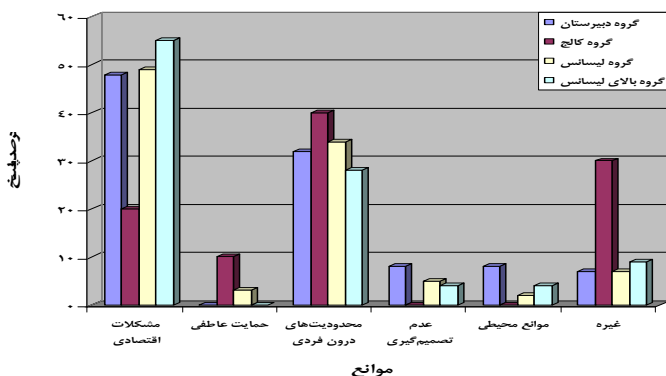
موانع قبلی در جهت آرزوهای تحصیلی (در مرحله اول تحقیق): در مرحله اول تقریباً نیمی از آزمودنی‌ها (۴۴٪) گزارش کردند که حداقل یک مشکل یا مانع بر سر راه آنها در جهت رسیدن به آرزوهای تحصیلی‌شان قرار دارد. همچنین، ۸ درصد آنان حداقل به دو مانع یا بیشتر اشاره کرده‌اند و ۵۶ درصد نیز مشکل یا مانعی را سر راه خود برای رسیدن به آرزوهای تحصیلی ندیدند.

تقریباً نیمی از افراد (۴۸٪) گزارش کردند که مهم‌ترین مشکل برای ادامه تحصیل آنها، مسأله اقتصادی است. ۳۲ درصد مشکلات را مربوط به خود ادراک شده درون فردی (مانند عدم وجود خود نظمی، عدم وجود مهارت‌های لازم و نمره نامناسب) ذکر کرده‌اند. ۱۰ درصد نیز به سایر

موارد نظیر بیماری، مسؤولیت‌های خانوادگی و ... (به عنوان موانع رسیدن به آرزوهای تحصیلی خود) اشاره داشتند.

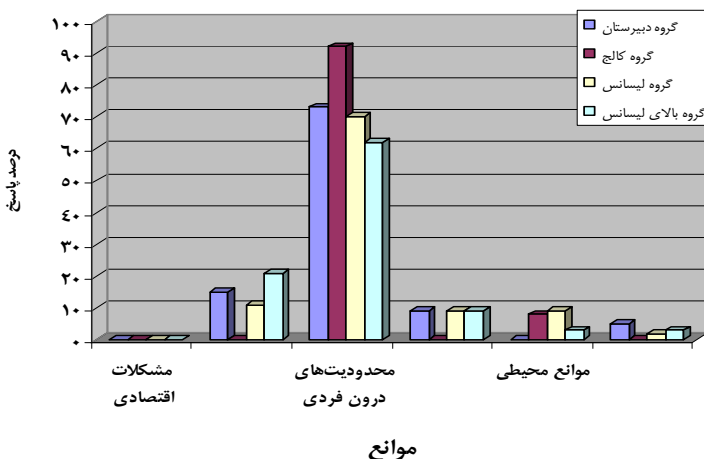
زمانی که پاسخ‌ها در ارتباط با مشکلات و مسیر تحصیلی در نظر گرفته شد، پاسخ‌ها عمدتاً مشابه به هم بود (نمودار شماره ۱ را ببینید). گروه‌های دبیرستان، لیسانس و بالای لیسانس (به ترتیب ۴۷٪، ۵۵٪ و ۶۰٪) تقریباً در سطح مشابهی مشکل اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین مشکل برای رسیدن به آرزوهای تحصیلی خود مطرح کردند. در بین این سه گروه (به ترتیب با ۳۳٪، ۳۴٪ و ۲۹٪) محدودیت‌های درون فردی خود ادراک شده را به عنوان دومین مشکل اساسی گزارش کردند. این در حالی است که گروه کالج، محدودیت‌های درون فردی خود ادراک شده را به عنوان مشکلات عمده خود برای رسیدن به آرزوهای تحصیلی خود گزارش کرده‌اند و مانع اقتصادی در اولویت دوم قرار دارد.

نمودار شماره ۱: موانع قبلی در جهت کسب تحصیلات مورد علاقه در مرحله اول با مسیر تحصیلی



موانع تجربه شده در جهت کسب تحصیلات (در مرحله اول تحقیق): تقریباً اکثر آزمودنی‌ها (۷۶٪) حداقل یک مشکل را در جهت کسب تحصیلات در طول دوره دبیرستان گزارش کردند که از این میان، محدودیت‌های خود ادراک شده درون فردی بیشترین میزان موانع تحصیلی گزارش شده در این مرحله را به خود اختصاص داده است (نمودار شماره ۲ را ببینید).

نمودار شماره ۲: موانع تجربه شده در جهت کسب تحصیلات فعلی در مرحله اول به همراه مسیر تحصیلی

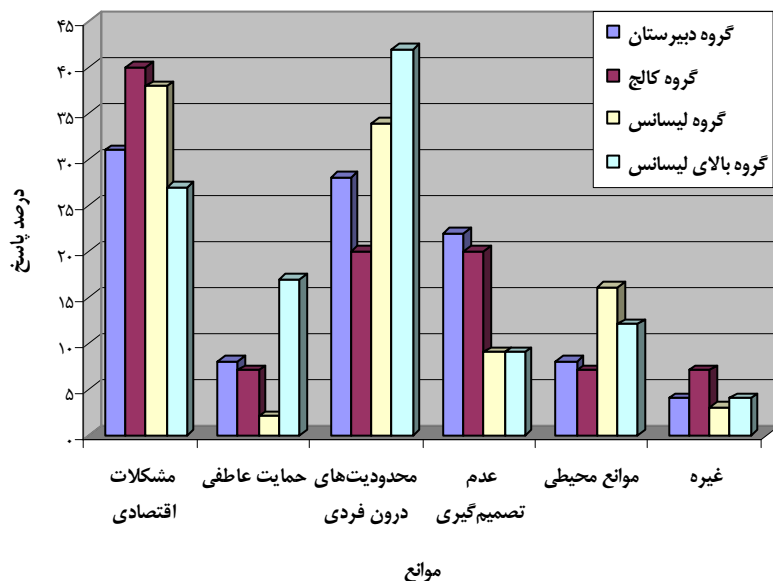


جای تعجب نیست که مشکلات اقتصادی در این مرحله از تحقیق کمتر گزارش شده است، چراکه دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان عمدتاً از نظر اقتصادی به والدینشان وابسته هستند.

موانع تجربه شده در جهت کسب تحصیلات (در مرحله آخر تحقیق): در این مرحله نیز اکثر آزمودنی‌ها (۹۰٪) حداقل یک مشکل را در زمینه کسب تحصیلات گزارش دادند و حدود نیمی از آنان (۵۳٪) دو یا بیش از دو مشکل را برای کسب تحصیلات مطرح ساخته‌اند. در این گروه نیز، به محدودیت‌های خود ادراک شده درون فردی و موانع اقتصادی بیش از دیگر موارد اشاره شده است. (نمودار شماره ۳ را ببینید).

نمودار شماره ۳: موانع تجربه شده در جهت کسب تحصیلات فعلی در مرحله آخر تحقیق

به همراه مسیر تحصیلی



مانع اقتصادی، در طیف مشابه‌ای برای تمام مسیرهای تحصیلی وجود دارد. اما به خاطر این که امکانات اقتصادی گروه دبیرستان با سایر گروه‌ها تقریباً مشابه بود، نمی‌توان این مانع را به عنوان یکی از عوامل مهم عدم ادامه تحصیل در گروه دبیرستان (در مقایسه با افرادی که ادامه تحصیل دادند) بشمار آورد.

عدم وجود حمایت از طرف خانواده، هم‌سالان، کارکنان مدرسه در بین آزمودنی‌هایی که از تحصیلات پایین‌تر برخوردار شدند (گروه دبیرستان یا کالج) رایج‌تر نبود. بنابراین، نتایج این بررسی نشان می‌دهد که عدم وجود حمایت عاطفی نمی‌تواند عامل مهمی برای بازداري از ادامه تحصیل پس از مقطع دبیرستان باشد. از سوی دیگر، گروه‌های دبیرستان و کالج موانعی را که مربوط به نداشتن تصمیم یا عدم تعهد در جهت اهداف آتی بود، نسبت به گروه‌های لیسانس و بالای لیسانس بیشتر گزارش کردند. این یافته نشان می‌دهد که تصمیم‌های گرفته شده در زمینه

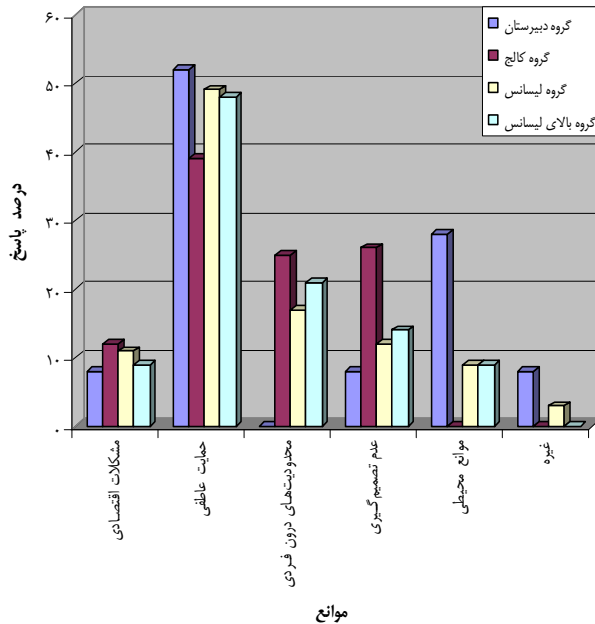
اهداف آتی می‌تواند برخی از مشکلات یا موانع را بی‌اثر سازد یا حتی حمایت‌هایی را در جهت ادامه تحصیل در سطوح بالاتر فراهم آورد.

آزمودنی‌ها در گروه بالای لیسانس نیز در مقایسه با گروه‌های دبیرستان و کالج، تجربه محدودیت‌های خود ادراک شده درون فردی نسبتاً بیشتری را گزارش کرده‌اند (۴۲ درصد از پاسخ‌ها)، این موضوع نشان می‌دهد که احتمالاً گروه بالای لیسانس ادراک خودشان را از طریق مقایسه اجتماعی، بودن در معرض هم‌سالانی که مهارت‌های تحصیلی مشابه دارند و باید و نبایدهای تحصیلی، تهدید کرده‌اند. قابل توجه این که تجربه این مشکل و آسیب‌پذیری ادراک خویشتن منجر به ناامیدی این گروه و عدم تلاش برای رسیدن به سطوح تحصیلی بالاتر نشد.

حمایت‌های تجربه شده برای کسب تحصیلات (در مرحله آخر تحقیق): اکثر آزمودنی‌ها (۸۴٪) حداقل یک نوع حمایت را در جهت کسب تحصیلشان مطرح کردند. تقریباً یک چهارم آزمودنی‌ها به دو یا بیشتر از دو حمایت تجربه شده اشاره کردند که در مجموع، حمایت‌ها از طرف خانواده، هم‌سالان و کارکنان مدرسه و در جهت کسب تحصیلات و به طور یکسان در بین دختران و پسران گزارش شده بود. (الگوی پاسخ‌دهی را در باره حمایت‌های تجربه شده در جهت کسب تحصیلات به همراه مسیر تحصیلی در نمودار ۴ ببینید).

نمودار شماره ۴: حمایت‌های تجربه شده در جهت کسب تحصیلات فعلی در

مرحله آخر تحقیق به همراه مسیر تحصیلی



در مجموع، تمامی دوره‌های (مسیرهای) تحصیلی مشخص کرده‌اند که نوعی حمایت از طرف دیگران دریافت شده است. در این چارچوب، گروه دبیرستان نسبت به سایر گروه‌ها، به تجربه بیشترین حمایت از محیط اشاره داشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که افراد این گروه آمادگی دارند که پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان جذب بازار کار شوند و به ادامه تحصیل فکر نکنند. قابل توجه اینکه در گروهی که پایین‌ترین سطح تحصیلی را داشتند (مانند گروه دبیرستان یا کالج)، پایین‌ترین میزان پاسخ را نیز به حمایت‌های تجربه شده دادند (۶۱ درصد برای گروه‌های دبیرستان و کالج در مقایسه با ۹۰ درصد میزان پاسخ برای گروه‌های لیسانس و بالاتر).

همچنین، از آنجایی که شرکت‌کننده‌های این دو گروه (دبیرستان و کالج) در مرحله آخر تحقیق از سیستم تحصیلی خارج شده بودند، برایشان مشکل‌تر بود که حمایت‌های گذشته خود را به خاطر آورند یا شناسایی کنند؛ در حالی که دو گروه لیسانس و بالاتر از لیسانس که هنوز در سیستم تحصیلی حضور داشتند، توانستند حمایت‌های تجربه شده را گزارش کنند.

مقایسه مشکلات تحصیلی قبلی در مرحله اول تحقیق با مشکلات تحصیلی در مرحله

آخر تحقیق: محدودیت‌های درون‌فردی خود ادراک شده به عنوان اولین و دومین موارد مطرح شده مشکل قبلی، برای دستیابی تحصیلی در مرحله اول تحقیق توسط همه مسیرهای تحصیلی گزارش شدند. همین‌الگو در مرحله آخر تحقیق نیز تکرار شد. با این تفاوت که گروه کالج محدودیت‌های درون‌فردی خود ادراک شده را به عنوان یکی از تکراری‌ترین مشکلات پیش‌بینی کرده است. شایان ذکر است که براساس میانگین سطح تحصیلات والدین آزمودنی‌ها، گروه کالج نسبت به سایر مسیرهای تحصیلی از زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری برخوردار بودند. هرچند که ممکن است فشارهای اقتصادی باعث خروج از سیستم آموزشی آنها شده باشد؛ اما، برای گروه‌های دبیرستان و کالج، مشکلات مربوط به عدم تصمیم‌گیری در مرحله آخر تحقیق (نسبت به مرحله اول) بیشتر تجربه شده است. بنابراین، عدم تصمیم‌گیری بیش از موانع دیگر بر کسب تحصیلات تأثیر منفی می‌گذارد. این در حالی است که افراد گروه کالج در مرحله آخر تحقیق نسبت به مرحله اول، تجربه مشکلات اقتصادی بیشتری را گزارش کرده است؛ اما، گروه‌های لیسانس و بالای لیسانس مشکلات اقتصادی کمتری را در مرحله آخر تحقیق گزارش کردند. از طرف دیگر، گروه بالای لیسانس مشکلات بیشتری را در ارتباط با محدودیت‌های درون‌فردی خود ادراک شده در مرحله آخر تجربه کرده‌اند.

مقایسه مشکلات تجربه شده تحصیلی در مرحله اول و آخر تحقیق: به طور نسبی آزمودنی‌ها در تمام چهار مسیر تحصیلی، محدودیت‌های درون‌فردی خود ادراک شده کمتری را در مرحله آخر تحقیق (نسبت به مرحله اول) گزارش کردند.

همچنین، دیگر نتایج نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های دستیابی به آمل و آرزوهای تحصیلی و شغلی آنان به حساب می‌آید در حالی که، میزان تحصیلات والدین نقش چندانی در رسیدن به آمل و آرزوهای تحصیلی ندارد (جدول شماره ۳ را ببینید).

جدول شماره ۳. تحلیل واریانس چند متغیره مسیرهای تحصیلی با دیگر متغیرها

سطح معنی داری	جمع	بالای لیسانس	لیسانس	کالج	دبیرستان	مسیرهای تحصیلی (گروه‌ها) ملاک‌های بررسی
	۲۱۰	(/۰.۳۹)۸۲	(/۰.۳۹)۸۲	(/۰.۹)۱۸	(/۰.۱۳)۲۸	تعداد و درصد آزمودنی‌ها
		%۵۷	%۶۷	%۷۲	%۵۰	درصد دختران
		%۴۳	%۳۳	%۲۸	%۵۰	درصد پسران
P<.05		۳/۰۳ ۰/۸۸	۲/۹۴ ۰/۹۱	۲/۳۹ ۰/۵۸	۲/۷۳ ۰/۸۰	میانگین تحصیلات والدین انحراف استاندارد تحصیلات والدین
P<.001		۸۱/۸۴ ۶/۸۳	۷۷/۳۴ ۷/۵۲	۷۳ ۶/۷۷	۷۳/۵ ۸/۱۷	میانگین پیشرفت تحصیلی انحراف استاندارد پیشرفت تحصیلی
	۹۰ ۷۶ ۴۴	۳۶ ۲۶ ۲۰	۲۸ ۳۶ ۱۸	۱۰ ۵ ۳	۱۶ ۹ ۳	کلاس ۹ کلاس ۱۰ کلاس ۱۱
P<.01		۳/۱۷ ۰/۴۷	۳/۰۴ ۰/۳۶	۲/۵۶ ۰/۶۳	۲/۷۹ ۰/۷۲	میانگین آرزوهای تحصیلی انحراف استاندارد آرزوهای تحصیلی
P<.05		۲/۹۲ ۰/۲۸	۲/۸۱ ۰/۴۰	۲/۵۶ ۰/۵۱	۲/۸۰ ۰/۴۱	میانگین آرزوهای شغلی انحراف استاندارد آرزوهای شغلی

در جدول شماره ۳ ابتدا تعداد و درصد آزمودنیها بر حسب مسیرهای تحصیلی متفاوت و همچنین درصد دختران و پسران در این مسیرها ارائه شده است. نکته قابل توجه این است که درصد دختران و پسران در گروه دبیرستان مساوی است (هر دو %۵۰)، در حالی که دختران در گروه کالج حدوداً دو و نیم برابر، در گروه لیسانس حدوداً دو برابر، و در گروه بالای لیسانس

حدوداً یک و نیم برابر هستند. این موضوع نشان دهنده این امر است که دختران نسبت به پسران تمایل بیشتری به ادامه تحصیل پس از مقطع دیپلم دارند. میانگین نمرات تحصیلی آزمودنی‌ها با استفاده از کارنامه آنها ارایه شده است. مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گویای این امر است که پیشرفت تحصیلی یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های دستیابی به آمل و آرزوهای تحصیلی و شغلی است. بر اساس نتایج جدول شماره ۳ که میانگین آخرین مدرک تحصیلی والدین آزمودنی‌ها را نمایش می‌دهد، به مقایسه تحصیلات والدین و مسیرهای تحصیلی پرداخته شد. میانگین تحصیلات والدین گروه دبیرستان از گروه کالج بالاتر است اما این گروه به ادامه تحصیل پس از مقطع دیپلم دبیرستان نپرداخت. هر چند که میانگین تحصیلات والدین گروه لیسانس و بالای لیسانس از دو گروه دیگر بالا تر است و از نظر آماری هم معنی دار است. اما از آنجائیکه پیشرفت تحصیلی به طور مستقیم نشان دهنده ادامه تحصیل پس از مقطع دیپلم دبیرستان است، لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحصیلات والدین یک پیش‌بینی‌کننده قوی جهت دستیابی به آمل و آرزوهای تحصیلی و شغلی نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر این بود که با استفاده از اطلاعات طولی، تأثیر موانع ادراک شده و حمایت‌های دریافت شده بر پیگیری آمل و آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان بررسی گردد. همچنین در صدد بودیم که موانع تجربه شده و حمایت‌های دریافت شده توسط خود دانش‌آموزان طبقه‌بندی و مشخص گردند.

در این بررسی، ابتدا چهار مسیر تحصیلی (گروه دبیرستان، گروه کالج، گروه لیسانس و گروه بالای لیسانس) شناسایی شدند. نتایج نشان داد که این گروه‌ها از نظر آمل و آرزوهای تحصیلی و شغلی در مرحله اول تحقیق با مرحله آخر تحقیق متفاوت بودند. آرزوهای تحصیلی از مرحله اول به مرحله آخر، بین آزمودنی‌های سنین مختلف (کلاس ۹ یا ۱۰ یا ۱۱) و همچنین در بین آزمودنی‌های دختر و پسر (نهایتاً در کل نمونه) به صورت معنی‌داری افزایش پیدا کرد، در حالی که آرزوهای شغلی کاهش معنی‌داری داشت. همچنین دختران نسبت به پسران تمایل بیشتری به ادامه تحصیل پس از مقطع دیپلم دبیرستان پیدا کرده‌اند.

تجربیات شخصی از حمایت‌ها و موانع در ارتباط با کسب تحصیلات به صورت معنی‌داری بین جنس، سن و مسیرهای تحصیلی متفاوت نیست. یعنی اینکه بین مشکلات دختران و پسران دانش‌آموز و سن آنها در سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود.

بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۸۶؛ ۱۹۹۷) جنسیت و سن، تأثیر ادامه‌داری بر رفتارها و باورهای فرد در جهت انتخاب‌های تحصیلی و شغلی و دستیابی به آنها دارد. در صورتیکه نتایج تحقیق حاضر تأیید نکرد که تفاوت‌های جنسیتی رشد آرزوهای تحصیلی و شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر، با توجه به تغییرات اساسی در نظام آموزشی در مورد همسانی جنسیتی و همچنین تغییر نگرش زنان جوان امروزه، و تمایل هر چه بیشتر خانم‌ها به ادامه تحصیل و ورود به بازار کار گویای این امر است که آینده مثبتی که خانم‌ها در مطالعه حاضر برای خود متصور هستند، متضاد تمایلات اجتماعی سنتی است (ای‌ای یو دلبیو، ۱۹۹۹ب). البته برخی از تحقیقات مطرح می‌کنند که تفاوت‌های جنسیتی با افزایش سن، واضح‌تر می‌شوند. به طور مثال ریندفوس در سال ۱۹۹۹ گزارش کرد که خانم‌ها با نزدیک شدن به سن ۳۰ سالگی و در صورت تأهل، موانع بیشتری در ارتباط با پیشرفت شغلی تجربه می‌کنند. البته جنسیت به صورت فرهنگی تعریف شده است. بنابراین، زمینه‌ای را که یک خانم درونی کرده است (تعریف اجتماعی نقش یک خانم) بر کفایت و موفقیت یک خانم تأثیر خواهد داشت (ایکلز، ۱۹۹۴).

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان تحصیلات والدین که نشان‌دهنده موقعیت اقتصادی _ اجتماعی خانواده و انتظارات والدین از فرزندان است، پیش‌بینی‌کننده قوی از آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی و دست‌یابی به آنها نیست. در صورتیکه پیشرفت تحصیلی در اوایل مقطع دبیرستان یک پیش‌بینی‌کننده قوی، ثابت، و معنی‌دار در زمینه مسیر تحصیلی است. خصوصاً زمانی که با آرزوهای تحصیلی بالا همراه گردد.

همانطور که در قسمت چارچوب نظری مطرح گردید، بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۸۶؛ ۱۹۹۷) خود مؤثری، نتیجه انتظارات، و اهداف شخصی سه مفهوم اساسی در چارچوب نظری رشد شناختی اجتماعی مشاغل می‌باشند، که بر اساس آنها افراد رفتارهای مرتبط با تحصیل و شغل خود را تنظیم می‌نمایند. بنابراین، خود مؤثری (که در تحقیق حاضر می‌توان به عنوان پیشرفت تحصیلی از آن یاد کرد)، نتیجه انتظارات و اهداف افراد (که در تحقیق حاضر آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی را در بر می‌گیرد) با عوامل محیطی، زمینه‌ای (همچون

تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، و غیره) و فردی (همچون سن، جنس، توانائیا و استعدادها) برای توجیه انتخابها و مسیرهای مربوط به تحصیل و شغل در تعامل هستند.

یکی از مشکلات عمده‌ای که در گروه دبیرستان و کالج در مرحله آخر تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت، مساله عدم تصمیم‌گیری بود. بدین ترتیب که در بیشتر موارد، آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی سطح بالا که در اواسط نوجوانی بنا شده است با دستیابی در اوایل جوانی همسو هستند. در این چارچوب، مطرح شده است که برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری لازم در جهت کسب مدرک دانشگاهی در بیشتر موارد به استحکام اهداف کمک می‌کند (واگنر، ۱۹۸۴).

در هر حال، تحقیقات بیشتری نیاز است تا بتوان آشکار ساخت که عدم تصمیم‌گیری چگونه و با چه سازوکاری کسب تحصیل و شغل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی و توصیف عدم تصمیم‌گیری در کسب پیشرفت می‌تواند در طراحی تسهیل برنامه‌های مداخله‌ای برای شناسایی و ارتقاء حیطه‌های مهارت و علاقه کمک کننده باشد. از سوی دیگر، از آنجایی که بیشترین حمایت از طرف کارکنان مدرسه برای دانش‌آموزانی است که مهارت‌های تحصیلی پیشرفته (یا وضعیت خوب تحصیلی) و همچنین آرزوهای تحصیلی و شغلی بالایی را در شروع مقطع دبیرستان دارند (ای‌ای یو دلبیو، ۱۹۹۹ ب). بنابراین، ممکن است که یک رابطه تقویت کننده‌ای باشد که چنین دانش‌آموزانی به موفقیت ادامه می‌دهند چون کمک دریافت می‌کنند (همچون گروه لیسانس و بالای لیسانس).

هرچند که از مطالعه حاضر چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزانی که دبیرستان را با مهارت‌های تحصیلی پایین و آرزوهای تحصیلی و شغلی بالا (همچون گروه دبیرستان) شروع کرده‌اند، بیشتر در معرض خطر هستند و حتی شاید حمایت مشابهی را از طرف کارکنان مدرسه دریافت نکنند. با وجود این، چنین دانش‌آموزانی بیشترین حمایت را از طرف کارکنان مدرسه در زمینه برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی نیاز دارند.

مشکل اصلی این نیست که آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان افزایش یابد، بلکه سازگاری آرزوها با امکانات لازم برای به دست آوردن آرزوهای واقعی (پال، ۱۹۹۷)، که در برگیرنده مداخله لازم برای پیشبرد عملکرد تحصیلی است، ملاک است.

نیازها و مشکلات انسانها در جوامع و فرهنگهای متفاوت، ریشه های مشابهی دارد. با این وجود، جهت تعمیم هر نکته ای به یک جامعه، می بایست ابتدا جامعه مورد نظر مورد بررسی قرار گیرد و سپس یافته های حاصله به آن جامعه تعمیم داده شود. به منظور استفاده بهینه از نتایج تحقیق حاضر و همچنین امکان تعمیم چنین نتایجی به کشور ایران، نگارندگان در حال انجام تحقیق مشابهی بر روی دانش آموزان داوطلب شرکت در کنکور دانشگاههای سراسری و دانشگاههای آزاد اسلامی در شهر تهران هستند.

منابع

- شفیع آبادی، ع. (۱۳۸۲). *راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای و نظریه های انتخاب شغل*. تهران: رشد، ۱۳۸۲
- American Association of University Women. (A.A.U.W). (1999b). *Gender Gaps: where schools still fail our children*. American Association of University Women Education Foundation, New York, NY: Marlowe & Company.
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-hall.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York, NY: Witt Freeman and company.
- Bandura, A., Barbaranelli, C., Caprara, G.V., & pastorelli, C. (2001). Self-efficacy beliefs as shapers of children's aspirations and career trajectories. *Child Development*, 72(1), 187-206.
- Burke, P.J. & Hoelter, J.W. (1988). Identity and sex race differences in educational and occupational aspiration formation. *Social Science Research*, 17, 29-47.
- Csikszentmihalyi, M. & Schneider, B. (2000). *Becoming adult: How teenagers prepare for the world of work*. New York, NK: Basic Books .
- Dornbush, S.M. (2000). Transitions from adolescence: A discussion of seven articles. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 173-177.
- Eccles, J.S. (1987). *Gender roles and achievement patterns: An expectancy value perspective*. In J.M. Reinish, L.A., Rosenblum, & S.A. Sanders (Eds.), *Masculinity/femininity: Basic perspectives* (pp. 240-280). New York, NY: Oxford University Press.
- Eccles, J.S. (1994). Understanding women's educational and occupational choices: Applying the Eccles et al. model of achievement-related choices. *Psychology of Women Quarterly*, 18, 585-609.
- Erikson, E.H. (1963) *Childhood and Society*. New York: Norton, 1963. Field, F.L., C.D., and Tiedeman, D.V. The selfconcept in career development: A construct in transition, *personel and Guidance Journal*, 41.

- Fitzgerald, L.F., Fassinger, R.E. Betz, N.E. (1995). *Theoretical advances in the study of women's career development*. In W.B. Walsh & S.H. Osipow (Eds.) *Handbook of vocational psychology: Theory, research, and practice* (2nd ed., pp. 67-109). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Ginzberg, E. (1971). *Career guidance*. New York: Mac Graw-Hill.
- Ginzberg, Ginsburg, S. W., Alexander, S. Herma, J.L. (1951). *Occupational choice: an approach to general theory*. New York: Columbia University Press.
- Henderson, V.L. & Dweck, D.S. (1990). *Motivation and achievement*. In S.S. Feldman & G.R. Elliott (Eds), *At the threshold: The developing adolescent* (pp. 308-329). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Hotchkiss, L. & Borrow, H. (1996). *Sociological perspectives on work and career development*. In D. Brown & L. Brooks (Eds.), *Career choice and development* (3rd ed., pp. 281-334). San Francisco, CA: Jossey-Bass
- Krahn, H. & Lowe, G.S. (1999). *School-to-work transitions and postmodern values: What is changing in Canada?* In W.R. Heinz (Ed.). *From education to work: Cross-national perspectives* (pp.260-283). New York, NY: Cambridge University Press.
- Paul, F.G. (1997). *Aspirations and outcomes: The mediating role of information, preparation, and paths*. In K.K. Wong (Ed), *Advances in educational policy: The Indian Youth Opportunity Study* (pp. 93-136). Greenwich, Connecticut: JAI Press Inc.
- Pineo, P.; porter, J. & McRoberts, H. (1977). The 1971 census and the socioeconomic classification of occupations. *Canadian Review of Sociology and Anthropology*, 14, 91-102.
- Rindfuss, R.R.; Cooksey, E.C. & Sutterlin, R.L. (1999). Young adult occupational achievement: Early expectations versus behavioral reality. *Work and Occupations*, 26(2), 220-263.
- Schneider, F.W. & Coutts, P. (1985). Person orientation of male and female high school students: To the educational disadvantage of males? *Sex Roles*, 13, 47-63.
- Schneider, F.W. & Green, J.E. (1977). Need for affiliation and sex as moderators of the relationship between need for achievement and academic performance. *Journal of School Psychology*, 15(3), 267-277.
- Super, D.E. (1951). Vocational adjustment: Implementing a self concept. *Occupations*, 30,
- Super, D.E. (1957). *The psychology of careers*. New York: Harper,
- Super, D.E.; Savickas, M.L. & Super, C.M. (1996). *The life-span, life-space approach to careers*. In D. Brown & L. Brooks (Eds.), *Career choice and development* (3rd ed., pp. 121-178). San Francisco, CA: Jossey-Bass

- Vondracek, F.W.; Lerner, R.M. & Schulenberg, J.E. (1986). *Career development: A life-span developmental approach*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Weiner, B. (1974). An attribution theory of achievement motivation and emotion. *Psychological Review*, 92, 548-573.